

آمریکا از سوریه چه می‌خواهد؟

از زمان آغاز انقلاب شام در اوایل مارس ۲۰۱۱ تا پایان حکومت اسد در ۸ دسامبر ۲۰۲۴، اهداف آمریکا در قبال سوریه روشن بود و در جلوگیری از صدور انقلاب و نیز جلوگیری از سقوط نظام سوریه با انجام یک عمل «تزیینی» بر آن خلاصه می‌شد. این اهداف تا امروز تغییر نکرده‌اند؛ تغییرات تنها در ابزارها و روش‌ها بوده است که آن هم در خدمت همان اهداف قرار داشت. هرگاه ابزارها کارایی خود را از دست می‌دادند، جایگزین می‌شدند؛ اما مسئله نفوذ آمریکا در سوریه هیچ‌گاه محل بحث نبود، زیرا نزاع بین‌المللی وجود نداشت و همه زیر خط نفوذ آمریکا بودند، جز برخی تلاش‌های پراکنده که صرفاً جنبه ایجاد اختلال داشت نه مقابله واقعی. روسیه و دیگران نیز چیزی جز ورق‌های بازی و ابزارهایی برای تحقق راهبرد آمریکا نبودند.

به‌محض آغاز گشایش از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا تحریم‌های خود علیه سوریه را لغو کرد، از جمله رفع محدودیت‌ها بر بخش‌های مالی و انرژی و حذف بانک مرکزی سوریه از فهرست تحریم‌ها. در روسیه، سرگئی ورشینین معاون وزیر خارجه بر ادامه گفت‌وگوهای روسیه با دولت سوریه درباره وضعیت پایگاه‌های نظامی روسیه در این کشور تأکید کرد. همچنین جدعون ساعر وزیر خارجه رژیم صهیونیستی پس از دیدار الشرع با ترامپ گفت تل‌آویو خواهان روابط خوب با نظام جدید سوریه است، پیامی مثبت به ترامپ که ممکن است بیانگر تمایل رژیم یهود برای بستن معامله‌ای با سوریه تحت سرپرستی او باشد. از سوی دیگر، باراک پیشنهاد کرد مذاکراتی میان رژیم یهود و سوریه برای امضای توافق‌نامه عدم تعرض برگزار شود.

اما نزاع واقعی میان امت و کل غرب، به‌ویژه آمریکا، بود. کنگره آمریکا میلیون‌ها دلار برای حمایت از مبارزان سوری که علیه نظام اسد می‌جنگیدند اختصاص داد، دو اتاق عملیات در شمال و جنوب ایجاد کرد و حرکت نیروهای انقلابی را به آن‌ها وابسته نمود و در این مسیر از کشورهای متعدد، سازمان‌ها و افراد گوناگون بهره گرفت.

سوریه گذرگاه اصلی غرب آسیا به دریای مدیترانه، حلقه اتصال منطقه خلیج‌فارس به اروپا از راه خشکی و دریا و دروازه انتقال انرژی از خلیج‌فارس و ایران به اروپا است. ویژگی جغرافیایی هموار سوریه که تقریباً فاقد موانع طبیعی همچون کوهستان است، ساخت شبکه‌های خطوط لوله نفت و گاز را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از ترکیه کوهستانی می‌کند؛ کشوری که خود سودای تبدیل‌شدن به مرکز انتقال انرژی به اروپا را دارد؛ بنابراین، سوریه گذرگاه و مسیر طبیعی برای انتقال منابع انرژی خاورمیانه (ایران و منطقه خلیج‌فارس) به اروپا است.

سوریه همچنین دارای میدان‌های مهم گاز طبیعی است و منطقه‌ای است که از نظر تاریخی و استعماری جایگاه ویژه‌ای دارد، به سبب تاریخ اسلامی‌اش، نقش و پیوندش با اروپا و نیز نگاه آینده‌نگرانه‌ای که به آن وجود دارد. علاوه بر این، روایات بسیاری درباره سرزمین شام، فضیلت آن و نقش آن در تغییرات آمده است. از این‌رو، غرب به‌طور کلی به منطقه شام نگاهی متفاوت و متمایز از سایر مناطق دارد، هرچند همه سرزمین‌های مسلمانان دارای همان اصل و مبنا هستند، اما شام ویژگی‌های خاص خود را دارد. به همین دلایل، ایالات‌متحده به انقلاب سوریه توجه نشان داد، به‌ویژه با در نظر گرفتن ماهیت خاص این انقلاب که به‌کلی با انقلاب‌های بهار عربی متفاوت بود؛ چراکه پرچم رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را برافراشت، خواستار اجرای اسلام شد و جنبش‌هایی با اندیشه‌های اسلامی پدید آورد. مسلمانان از سراسر جهان برای یاری انقلاب شام شتافتند.

زمانی که بشار سقوط کرد، آمریکا خواستار حفظ نظام شد، حتی اگر رأس آن ساقط گردد. این مأموریت به ترکیه سپرده شد، کشوری که پیش‌تر نیز نقش بزرگی در سوریه به آن داده‌شده بود. تا جایی که کار به جایی رسید که ترکیه برخی را که آمریکا آن‌ها را دشمن خود می‌دانست و حتی علیه‌شان احکام و درخواست‌های بین‌المللی صادرشده بود، انتخاب کرد؛ اما به نظر می‌رسد این آماده‌سازی ترکیه از مدت‌ها پیش آغازشده بود. روابط میان آنکارا و الجولانی قدری قدیمی است و پنهان نیست؛ چه در زمینه ارتباطات، چه حمایت نظامی و پناه‌دادن ترکیه پس از انقلاب. نقش ترکیه در این میان بر کسی پوشیده نیست.

پس از سقوط بشار، اوضاع تغییر کرد و رویدادها سرعت گرفت و اختلافات بسیاری در سوریه پدیدار شد، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی. در اینجا بی‌تردید دیدگاه‌ها متفاوت شد و طرح‌ها میان خواسته‌های پایگاه مردمی انقلاب، آمریکا به‌عنوان صاحب نفوذ و بازیگر جدید یعنی رژیم صهیونیستی، متنوع گردید؛ اما کلمه آخر همچنان از آن آمریکا بود. پس آمریکا چه می‌خواهد؟

خواسته‌های آمریکا از دولت جدید متنوع و متعدد است؛ بخشی به داخل سوریه مربوط می‌شود و بخشی به خارج آن:

در بخش داخلی، در رأس این خواسته‌ها موضوع اسلام، قانون اساسی، شکل مدنی حکومت، اقلیت‌های قومی کوچک و نقش آن‌ها در اداره و ارتباطشان با دمشق، شکل نظام سیاسی، فدرالیسم، ساختار ارتش، ادغام نیروهای انقلابی، کنترل و انحصار سلاح در دست دولت، موضوع مبارزان خارجی و اخراج یا تبعید برخی از آنان و نیز اخراج مبارزان فلسطینی است. وزارت دفاع اعلام کرد که «۳۵۰۰ مبارز خارجی در لشکر تازه تأسیس ۸۴ ادغام شده‌اند». همچنین موضع آمریکا تغییر کرد؛ به‌گونه‌ای که فرستاده آن، باراک، اظهار داشت: «بهتر است مبارزان خارجی تحت چتر دولت باقی بمانند تا از پیوستن آن‌ها به گروه‌های جهادی جلوگیری شود».

همچنین خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری و نقش شرکت‌های آمریکایی، به‌ویژه در بخش نفت و گاز، از جمله خواسته‌هاست. دولت سوریه در ۲۹ مه توافقی به ارزش ۷ میلیارد دلار با شرکت‌های بین‌المللی در بخش انرژی امضا کرد که از جمله آن‌ها شرکت‌های قطری «هلدینگ یو سی سی»، «پاور اینترنشنال»، «هلدینگ اورباکون» و شرکت‌های ترکیه‌ای «کایلون GES انرژی یاتیریملاری» و «جنکیز انرژی» بودند.

اما در حوزه مطالبات خارجی، مواردی چون عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، عدم ایجاد تهدید علیه آن و هماهنگی با «توافقات ابراهیم» مطرح است. در مقاله‌ای از شبکه الجزیره با عنوان «آمریکا از سوریه جدید چه می‌خواهد؟» آمده است: «بالین‌حال، دیدار ترامپ و الشرع تنها تحول از سوی ترامپ نسبت به سوریه نبود؛ رئیس‌جمهور آمریکا همچنین از تصمیم خود برای لغو تدریجی تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه خبر داد. ترامپ این تحریم‌ها را وحشیانه و مانع‌تراشی توصیف کرد و تأکید نمود که زمان آن رسیده است که سوریه دوباره برخیزد. این اعلام پس از بیش از یک دهه تحریم‌های شدید صورت گرفت که سوریه را به‌طور کامل از نظام مالی جهانی منزوی کرده بود. آشکار است که واشنگتن رویکرد تازه‌ای را در تعامل با دولت جدید سوریه اتخاذ کرده است که در آن، از سیاست انزوا و مجازات به سیاست تعامل مشروط و حمایت محتاطانه گذر می‌کند. مقامات آمریکایی آمادگی خود را برای همکاری با مقامات انتقالی دمشق اعلام کردند، مشروط بر آن که این مقامات به مسیر حل‌وفصل سیاسی پایبند باشند و مطالبات بین‌المللی را رعایت کنند».

در برابر این مطالبات فراوان و گوناگون، می‌بینیم که دولت جدید تا حد زیادی با خواسته‌های آمریکا همسو بوده، بلکه نسبت به آن ابراز دوستی، پذیرش و تسلیم نیز نشان داده است. این دولت در مذاکرات با رژیم صهیونیستی شرکت کرده و در پرونده سویداء و پیش از آن در موضوع مبارزان خارجی و پایگاه مردمی انقلاب، تسلیم خفت‌بار خود را آشکار ساخته است.

خلاصه آن‌که ایالات متحده توانست نظام را حفظ کند و تنها یک مزدور را با مزدوری دیگر جایگزین کند تا کارهایی را انجام دهد که سلف او انجام نداد. آیا انقلابیون می‌دانند پشت سر چه کسانی گردآمده‌اند؟ و آیا از فریب و بازی با افکار توسط گروه جولانی و پشت‌پرده‌هایش با طرح‌هایی همچون «ضرورت‌های واقعیت» و «رخصت‌های موجود» از جمله صلح حدیبیه و مانند آنچه مطرح می‌شود، آگاه‌اند؟

برگرفته از شماره ۵۶۰ جریده الرایه